

از نمایش ائتلاف گروه‌های تروریستی غرب و شرق کشور چه می‌دانیم؟

# وقت تسویه حساب با تجزیه‌طلب‌ها



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

پنج گروهک تروریستی تجزیه‌طلب شامل حزب آزادی کردستان (پاک)، حزب دموکرات کردستان ایران (حکدا)، حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)، سازمان حیات کردستان ایران و کوموله زحمتکشان کردستان روز یکشنبه هفته جاری (۳ اسفند ۲۰۱۴، ۲۲ فوریه ۲۰۲۶) اعلام کردند برای مبارزه با ایران ائتلاف کرده‌اند. حدود ۴ ماه قبل نیز تعدادی از تجزیه‌طلبان به نام مبارزه برای حقوق مردم بلوچ در ۱۹ آذرماه سال جاری (۱۰ دسامبر ۲۰۲۵) اعلام اتحاد کرده بودند.

روند مشابهی که برای دو منطقه کردستان و بلوچستان تدارک دیده شده از آن‌رو اهمیت دارد که مرز چنین مناطقی محل فعالیت و نفوذ گر و هک‌هاست. در اغتشاشات سال ۱۴۰۰ دشمن قصد داشت با برهم‌زدن تعادل امنیتی و اجتماعی کشور، از این مناطق به‌وسیله تروریست‌ها به استان‌های مرزی حمله کند. با واکنش نیروهای مسلح و حملات مرگباری که صورت گرفت، این مجموعه حملات پیش از اجرا ناکام ماندند. با شدت گرفتن مجدد فعالیت گروهک‌ها و به‌ویژه با نقش آفرینی آن‌ها در وقایع ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه که باعث شهادت و جان‌باختن بیش از ۳ هزار نفر شُشد، انتقام از این تجزیه‌طلبان ضرورت یافته است. عوامل نفوذی جریانات تجزیه‌طلب به همراه دیگر تروریست‌ها در وقایع دی‌ماه آسیب‌های جدی دیدند. در پیامد جنایت‌های ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه و کسب اطلاعات مردمی، هسته‌های نفوذی و خانه‌های تیمی بر تعداد این گروه‌ها کشف و در تهاجم به این نقاط، عناصر زیادی کشته یا دستگیر شدند. حالا و بارخ‌زمانی ساختاری گروهک‌ها، زمان هدف‌گیری سریل‌های جغرافیایی و فردی آن‌ها در مناطق پیرامونی کشور فرارسیده است.

### بررسی ابعاد فعالیت گروهک‌ها

ائتلاف پنج گروهک تجزیه‌طلب جدیدترین اقدام این جناح است و باید آن را مورد کنکاش قرار داد اما آن‌ها یک ضلع از فعالیت کلی دشمن هستند.

گروهک‌های کردی ائتلاف کرده از نظر سیاسی، چپ‌گرا هستند. چپ‌گرایسی احزاب کردی طیف‌های متفاوتی دارد اما برخی از آن‌ها در رؤیای گسترش مجدد کمونیسم بوده و دستپایی به کردستان ایران برای آن‌ها پله اول است؛ این گروه‌ها خواهان سلطه بر سراسر ایران و سپس گسترش جهانی‌اند.

در وهله اول قوم‌گرایی و چپ‌گرایی در تضاد با یکدیگر به نظر نمی‌رسند اما در ادامه تناقضاتی عارض می‌شود؛ مثنی قوم‌گرایانه آن‌ها محدودکننده است و اگر آن‌ها از نظر سیاسی راست افراطی باشند مشکلی ایجاد نمی‌کند، زیرا این دیدگاه می‌تواند تأییدکننده مسائل نژادی و ملی باشد، اما در چپ‌گرایی با نظریات هم‌مشمول وضعیت تا حدودی متفاوت است. قوم‌گرایی کردی در تضاد دیدگاه‌های ادعایی آزادی‌بخشانه چپ‌ها، به تصلب شرایط داخلی گروهک‌ها می‌انجامد. همچنین باید توجه داشت کمونیسم از نظر ایدئولوژی در جهان مرده و مغضوب غرب است و نمی‌توان به کارکرد آن و جلب حمایت دلخوش کرد. دوره این گروه‌ها گذشته است. نمونه‌های فراوانی از این موارد را در نخله‌های فکری دیگر هم می‌توان دید؛ به‌گونه‌ای که جهان‌عرب در طول دهه ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ شاهد سرنگونی پان‌عرب‌ها بود. ساقط شدن نظام دولت اسد در سوریه، یک پان‌عرب دیگر را از بین برد و البته پایانی بر یک صفحه بازمانده از نظام فروپاشیده دوقطبی بود. چپ‌های رادیکال و کمونیست‌ها پس از فروپاشی شوروی اقبالی ندارند و زمین و زمان هرود برای ادامه فعالیت آن‌ها مهیا نیست. در دوره ترامپ این مسئله تشدید شده زیرا وی و هم‌فکرانش مدافع راست‌های افراطی‌اند.

# اشتباه‌قمارباز

**ادامه از صفحه یک**

### کنارگذاشتن استراتژی تعلیق

اما بعد از جنگ ۱۲ روزه و شکست آمریکا و اسرائیل در رذن ضربه کاری و نهایی به ایران و نمایان شدن قدرت نظامی ایران برای کشورهای دنیا و محبوبیت پیداکردن ایران در میان کشورهای اسلامی، مجموعه دولت‌های غربی به عجله افتادن و اقداماتی کردند که این سیاست پیچیده غرب علیه ایران را به میزان زیادی از بین برد.

نخست، حمله آمریکا و اسرائیل به ایران و مقاومت ایران در برابر این تهاجم، به چین و روسیه فهمانند که ایران در حال حاضر نوک پیکان تقابل با غرب – به‌ویژه آمریکا – است و اگر ایران آسیب دیده و از دور خارج شود، چین و روسیه قطعاً آسیب جدی خواهند دید، به‌ویژه در نحوه ارتباط با غرب. همین امر باعث شد چین و روسیه برخلاف دفعات پیشین این بار محکم‌تر از همیشه در عرصه بین‌المللی به نفع ایران عمل کنند. نمونه این وضعیت را می‌توان در فعال‌کردن مکانیسم ماشه دید. این امر جدیت غرب برای ضربه‌زدن به ایران و اهمیت از دور خارج شدن ایران برای غرب را به وضوح برای چین و روسیه روشن کرد. دوم، دولت پیش‌سکیان – که دولتی با تمایل بیشتر به جریان اصلاح‌طلبی است – با آغاز جنگ ۱۲ روزه در حین مذاکرات و اقدامات و رفتارهای پسینی ترامپ، متوجه شد هرگونه برنامه‌ریزی جدی برای کشور باتکیه بر نتیجه مذاکرات با آمریکا بی‌فایده خواهد بود و ترکیب ترامپ و نتانیاهو هیچ امتیاز و حتی فضایی برای کششگری به ایران نخواهند داد. نمونه دیگر این عجله، بهره‌براری سریع و شتاب‌زده از فشارهای اقتصادی پس از جنگ ۱۲ روزه بود. فعال شدن مکانیسم ماشه، توقیف نفتکش‌ها، ممانعت از بارگشت ارز از طریق تراستی‌ها و… همگی اقداماتی بودند که اقتصاد تحت‌فشار ایران را با مشکلات مضاعف مواجه می‌کرد.

### شتاب‌زدگی در مواجهه با اعتراضات

غربی‌ها‌که منتظر بروز آثار اجتماعی این دور از تشدید فشار اقتصادی بودند، با آغاز اعتراضات (که نقطه شروع آن مستند ترانه علیهدوستی بود)، عجله اعتراضات را وارد فاز مسلحانه و خشونت‌آمیز کردند و عملاً هرآنچه را رشته بودند، پنبه کردند.

کافی بود اعتراضات مسالمت‌آمیزی که در بازار شروع و باعث قفل شدن مبادلات اقتصادی شده بود دو هفته دیگر ادامه پیدا می‌کرد. اگر بعد از دو یا سه هفته فاز مسلحانه و خشونت‌آمیز آغاز می‌شد، قطعاً تبعات و هزینه‌های آن بسیار سنگین‌تر می‌بود؛ چراکه در این بازه امکان وجود داشت تا بخش بزرگ‌تری از طبقه متوسط را از طریق اعتراضات مدنی همراه کرده و جمعیت



این گروه‌ها خواهان همکاری و ارتباط با گروه‌های مخالف در سراسر ایران هستند؛ هدفی که نشان می‌دهد برخی گروه‌های مخالف در داخل که شعارهای ملی‌گرایانه‌سر می‌دهند، حاضر شده‌اند در راستای تجزیه به ایران فعالیت کنند. آماجگی تشکیلات پهلوی، سازمان منافقین و برخی جریانات دیگر برای همکاری با تجزیه‌طلبان، گرچه احتمال تقویت عملیاتی آن‌ها را اندکی بالا می‌برد، اما ضربه حیثیتی بزرگی به آن‌هاست. شعارهایی مرتبط با سلسله‌هخامنشیان و کوروش کبیر، با فعالیت‌های تشکیلات پهلوی برای تجزیه به ایران و با حمایت از حملات خارجی به کشور جور در نمی‌آیند. نتیجه این شعارهای متناقض بن‌بست استدلالی است که باعث شده تشکیلات پهلوی از نفوذ اجتماعی بازمانده و به همین دلیل، رادیکال‌تر گردد. اقدامات وحشیانه در جامعه مانند جنایت‌های دی‌ماه، حمله به کسب‌وکارها و هنرمندان و رکیک شدن شعار در تجمعات، این مسئله را نشان می‌دهد.

محل اصلی فعالیت و دسترسی این گروه‌ها، اقلیم کردستان عراق است. ایران حق خود می‌داند با ابزارهای مختلف و هرگاه نیاز ببینید، به افراد و مراکز آن‌ها هجوم ببرد. به عبارتی دیگر اتحاد آن‌ها می‌تواند خطر امنیتی مهمی برای ایران نباشد، اما قطعاً خطر بزرگی برای اقلیم کردستان ایجاد می‌کند.

احزاب مزبور در داخل ایران دارای سمیات بوده اما بدنه اصلی و اکثریت نیروها در خارج از کشور حضور دارند؛ پس «اطلاعات و عملیات» دقیق یا گسترده‌ای در داخل نداشته و از طریق تحریک و برپایی بلوا می‌کوشند حرکتی ترتیب دهند.

احتمالاً در ایران افراد و گروه‌های متعادل‌تری برای همکاری با آمریکا آماده‌بوده‌اند، اما اغش کردن واشنگتن و غرب به سمت تندترین گروه‌ها –سازمان منافقین، تشکیلات پهلوی و گروهک‌های خشن قومی – و سرراهی به تجزیه به ویرانی ایران – همواره آن‌ها را دل‌سپرد و درنهایت به همکاری با نظام سیاسی ایران واداشته است. آن‌ها گرچه در ابتدا انحرافات پی‌روز دادند اما از طریق شناخت دشمن موفق به تصحیح مسیر شدند.



تفکرات جدایی‌طلبانه از نظر عمومی در مناطق قومی و حاشیه کشور فراگیر نیستند. گروهک‌ها شاید در این نواحی قادر به مصاحره اعتراضات باشند و در این امر توفیق یابند اما در نهایت رقابت درون گروهی مانع از نیل نهایی به هدف می‌گردد. دشمن و خود گر و هک‌ها برای فائق آمدن بر این مشکلات، ائتلاف و ائتاق عملیات مشترک تشکیل می‌دهند، اما همچنان گروه‌های مهمی بیرون مانده تا در نهایت «بازی خراب‌کن» وجود داشته باشد.

گروهک‌های تجزیه‌طلب با آگاهی نسبت به نداشتن امتداد قابل‌انکادر داخل، اغلب از خارج مرز خود راسازمانده‌می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که عناصر آن‌ها شامل افراد خارجی می‌شوند. به‌عنوان نمونه گروهک‌ها در اقلیم کردستان عراق و یا بلوچستان پاکستان عضوگیری می‌کنند.

گروهک‌ها برای مناطق میزبان مشکل سازند. همچنان‌که در نمونه‌ای نادر در جهان، میزبانان از القاعده به‌بانه سرنگونی این گروه از قدرت در سال ۲۰۰۱ تبدیل شد. ایران نیز در مواردی به مواضع گروهک‌ها در اقلیم کردستان عراق و پاکستان حمله کرده است.

گروهک‌ها معتقدند زمانی قادر به تحرک در داخل ایران خواهند بود که ضربه‌ای خارجی طی یک جنگ بزرگ به کشور وارد گردد. هم‌زمان آمریکا نیز موفقیت حمله خود را وابسته به اقدام پیشینی مؤثر آن‌ها می‌داند. تشکیلات پهلوی در دی‌ماه به این سمت حرکت کرد و قصد داشت با حرکتی کودتاگونه و تهاجم به کلاترئی‌ها اوضاع امنیتی داخل را برهم زده تا راه تهاجم خارجی هموار شود اما ناکام ماند. سرعت عمل نیروهای امنیتی، دولت و مردم که راهیمیایی شان در ۲۲ دی‌ماه و سپس ۲۲ بهمن‌ماه سرنوشته‌ساز بود، شورش را در نقطه خفه کرد.

آمریکا به تداوم بی‌ثباتی دلپسته بود اما قضایا با وجود خسارت‌بار بودن پس از ۳ الی ۲۱ روز به طور کامل به اتمام رسید. آمریکا بر این ایده است که بدون گروهک‌ها قادر به حمله نیست و گروهک‌ها نیز بر این عقیده‌اند که بدون حمله آمریکا قادر به تحرک نیستند؛ این بن‌بست بزرگ و ناشکودنی دشمن است.

### مشکلات نیرو در براندازان

حرکت دشمن بر بستر فضای مجازی و پلتفرم‌ها برای ایجاد قشری از

مخالفان خشمگین در داخل ایران، گرچه ظرفیت بالای آن را نشان می‌دهد اما هم‌زمان هویداکننده دو مشکل است؛ دشمن می‌داند گروه‌های همکار با آن به‌داخل دسترسی مؤثری نداشته و به‌طورکلی از معضلاتی در جذب نیرو ورنج می‌برند.

### جذب نیرو

جذب نیرو برای تروریست‌ها مشکلاتی دارد. افرادی که از داخل ایران به تشکیلات می‌پیوندند باید قید زندگی آزادانه را زده و تمام‌وقت در وضعیت نامعلوم و اغلب بحرانی، در خدمت گروه باشند؛ ازاین‌رو با دورنمای تیره‌وتار موجود، افراد بسیار کمی متمایل به پیوستن به تروریست‌ها هستند. عده کمی که زندگی سخت را پذیرفته و قبول می‌کنند سرنوشت خود را در اختیار تروریست‌ها قرار دهند، افرادی هستند که به دلیل مشکلات شخصی به بن‌بست رسیده و پیوستن به گروهک‌ها را امتداد زندگی خود تعریف می‌کنند. این نوع از ورودی نیرو البته خود به‌عامل کاهش ورودی و یا فرار نیروهای جذب شده تبدیل می‌گردد، زیرا زندگی در محیطی مملو از افراد شکست‌خورده و خشمگین کار راحتی نیست.

### حفظ نیرو

حفظ نیرو برای براندازان کار دشواری است؛ چه اینکه سازمان منافقین برای حفظ کادر خود، قوانین سخت‌گیرانه‌ای وضع کرده و از ورود و خروج آزادانه افراد به مقرهایش جلوگیری می‌کرد.

### واسطه‌گری با اوباش برای عملیات

گروهک‌ها برای نمایش توانمندی خود و جلب نگاه دولت‌های خارجی، نیاز به عملیات در داخل ایران دارند تا به‌وسیله آن پروژه‌ها را جذب کنند. بااین‌حال عوامل آن‌ها در داخل کشور، سینه‌چاکان ایدئولوژیک حزب نیستند، بلکه دسته‌های اوباشی‌اند که در محلات، شهرها و مناطق از همکاری جانبیان محلی تشکیل شده‌اند و در ازای دریافت پول، دست به ماجراجویی می‌زنند.

### خطرات جانی

فعالان جدایی‌طلب و تروریست می‌دانند اقدامات آن‌ها بدون پاسخ نخواهد ماند؛ حملات ایران به نقاط استقرار در اقلیم کردستان، تعقیب جهانی و حتی انتقام‌جویی گروه‌های رقیب می‌تواند جان و آرامش آن‌ها را به‌شکلی پیوسته در معرض خطر قرار دهد.

### فروپاشی عقیدتی و خستگی از شکست

اعضای گروهک‌ها به‌خاطر آرزو و ایدئولوژی وارد اقدامات جدایی‌طلبانه شده‌اند و با نظاره ناکامی و آوارگی چندنده‌های، انگیزه و اراده خود برای تداوم مسیر قبلی را از دست می‌دهند. این قضیه به‌طور ویژه زمانی رقم می‌خورد که آن‌ها پناهگاه و پوششی برای خود در برابر فشارهای گروهک می‌یابند. جدایی‌عناصر تروریست از گروهک‌ها در اروپا با استفاده از حقوقی که در غرب به دست می‌آورند، این‌گونه رخ می‌دهد.

### سردرگمی ایدئولوژیک و سیاسی

تسوع گامی مثبت و در مواردی موجب سردرگمی است. افراد معارض برای مبارزه خود به دنبال گروه مطلوب‌ششان می‌گردند اما وجود تعداد زیادی گروه و دیدگاه که بعضاً تفاوت‌شان صرفاً در نام رهبران است، باعث سردرگمی آن‌ها می‌گردد.

و حاضر است تمام هزینه‌های لازم برای اتخاذ چنین تصمیمی را بدهد.

این نمایش عزم نبرد، باعث شد روسیه که همیشه در دادن تسلیحات به ایران هزار جور اداو اطوار درمی‌آورد، این بار به شکلی گسترده و در مدت زمانی کوتاه میزان قابل توجهی سلاح را به ایران منتقل کند. گروه‌های مقاومت و بدنه‌های اجتماعی حامی ایران به صراحت آمادگی خود را برای نبرد اعلام کنند. چین و روسیه به شکلی جدی در عرصه بین‌المللی به دفاع از ایران پرداخته و به آمریکا برای انجام چنین اقدام متهورانه‌ای هشدار بدهند.

کشورهای عرب منطقه که تا پیش‌ازاین خیالشان بابت ضعیف شدن ایران و گروه‌های حامی‌اش تا حدی راحت بوده بود، با اعلام صریح رهبر انقلاب مبنی بر منطقه‌ای بودن جنگ، بعد از مدت‌ها واقعاً نگران شده و با ابراز آن، ضعف خود را در برابر قدرت نظامی ایران عیان کنند.

### اسرائیل؛ بازنده اصلی

شاید کمی عجیب به نظر بیاید، اما بازنده اصلی این وضعیت در حال حاضر اسرائیل است. اسرائیل در شرایطی قرار گرفته که تنها یک چیز او را نجات می‌دهد و آن هم سرنگونی جمهوری اسلامی یا چیزی نزدیک به آن است. اگر آمریکا به ایران حمله کرده و ایران با دادن پاسخی همه‌جانبه آمریکا را مجبور به عقب‌نشینی و توقف جنگ کند یا در حالت دیگر آمریکا از حمله منصرف کرده و به توافقی حتی نیم‌بند بکشاند، اسرائیل وارد بحران امنیتی بزرگی خواهد شد؛ آن هم از دست دادن چتر حمایتی نظامی – امنیتی آمریکا برای اسرائیل در مقابل ایران است.

در واقع آن چیزی که همیشه اسرائیل را از مخمصه‌ها نجات می‌داد، ورود آمریکا بود. اما اگر آنچه که همه همیشه از آن می‌ترسیدند – یعنی ورود آمریکا – ابهت و هولناک بودن خود را از دست بدهد، اسرائیل یکی از اصلی‌ترین عوامل برقراری امنیتی‌اش را از دست خواهد داد. شهید سید حسن نصرالله مدت‌ها پیش ازاین اشاره کرده بود که بزرگ‌ترین سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.

اما نتانیاهو این‌بار خود به دست خودش ترامپ را وارد مرحله‌ای کرده که همه از ورود به آن وحشت داشتند. اما حالا که وارد آن شده‌ایم، کم‌کم ترس‌ها در

حال ریخته شدن است؛ چراکه دیگر راهی جز مبارزه باقی نمانده است. در واقع آنچه که کار می‌کرد تهدید حمله ظلمی بود که ایران و سایه جنگ سیاست محور مقاومت برای ضربه‌زدن به اسرائیل، جداکردن آمریکا از آن است. همه می‌دانند این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که دفاع از اسرائیل دیگر مثل قبل برای آمریکا فایده‌ای نداشته باشد و بلکه مضر و هزینه‌زا باشد که این البته اتفاق بسیار مهم و دشوار است.